

نتیجه ای انتخابات ترکیه و تحولات منطقه ای

عبدالرحمن فهیمی

سرمقاله

مجلس و سؤال مشروعیت

حفیظ الله زکی

از تشکیل حکومت وحدت ملی نزدیک نه ماه می گذرد، اما در این مدت هردو تیم شریک در حکومت گامی در راستای تحقق وعده های انتخابی شان برداشته نتوانسته اند.

تشکیل کابینه که از کارهای اولیه حکومت به شمار می رفت، هشت ماه به طول انجامید. امنیت روز به روز افزایش می یابد و در کنار گروه های هراس افکن سابق، گروه داعش با وحشت و توانایی های بیشتری به فعالیت آغاز کرده است. فقر و بیکاری مردم را در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داده است. سیل مهاجرت به کشورهای خارج نیز بیشتر از گذشته جریان دارد.

اکنون یکماه است که حکومت درگیر معرفی والیان جدید در ولایت های سی و چهارگانه افغانستان است، اما این روند هنوز هم تکمیل نشده و در برخی موارد با مشکل روبرو گردیده است. فساد نه تنها کاهش نیافته است که به صورت وحشتناک در حال افزایش است. حکومت در حال حاضر اقتدار خود را در بیشتر مناطق ناامن از دست داده است و دستگاه قضایی همچنان در فساد و تباهی غوطه ور می باشد.

اما اکنون بزرگترین موضوع روز که نقل محافل سیاسی گردیده است، پایان زمان قانونی این دوره مجلس است. این سؤال مطرح می شود که آیا وضعیت قوه مقننه چگونه خواهد شد؟ به تعطیلی کشانده می شود و یا نمایندگان برخلاف قانون به کار خود ادامه می دهند؟

به هر صورت این روند حاکمیت ملی را در کشور خدشه دار می سازد و قانون گرایان و احترام به قانون را در برزخ فراموشی و بی توجهی قرار می دهد.

در نظام های دموکراتیک اصل قانونی بودن اعمال و سیاست ها، یک موضوع جدی و خدشه ناپذیر به شمار می آید. وقتی در یک نظام قانون شکسته شود، دیگر چیزی برای داغوشی باقی نخواهد ماند. قانون گریزی، عمل فراقانونی و قانون شکنی به هردلیلی که باشد در نظام های مردم سالار پذیرفتنی نخواهد بود. اما در افغانستان مناسفانه چیزی که بسیار به آسانی نادیده گرفته می شود و مطابق منافع این و آن تفسیر و توجیه می شود، قوانین این کشور است.

در بسیاری موارد خود حکومت و کسانی که در رأس هرم قدرت قرار دارند، قانون شکنی می کنند. برای همه واضح است که موضوع تفری ها در کشور چگونه انجام می شود. پس از چهارده سال امروز قاش می شود که بسیاری از کارمندان وزارت خارجه نه بر اساس لیاقت که بر مبنای شناخت و حمایت مقامات دولتی مقرر گردیده است و همین اکنون غالب تفری ها و انتصاب ها بر مبنای شناخت و رفاقت های شخصی و تعلقات قومی و حزبی صورت می گیرد، تا تخصص و شایستگی.

با این همه چه باید کرد؟ این پرسشی است که بسیاری از مردم پاسخ می دهند. این پیدا نکرده است. حکومتی که حد اقل باید روزنه امیدی برای آینده پدید می آورد و سطح امیدواری مردم را نسبت به آینده کشور بالا می برد، امروز خود به عامل عسده نامیدی تبدیل شده است.

تذریک به دوام است که حکومت بحث اصلاحات انتخاباتی را روی دست گرفته و یک کمیسیون را در این رابطه ایجاد کرده است؛ اما به دلیل اختلافاتی که میان سران حکومت وحدت ملی در چگونگی تشکیل، تعیین افراد و تشخیص صلاحیت های کمیسیون وجود دارد این کمیسیون علیرغم ضرورت هایی که احساس می شود، نتوانست به کارشان آغاز کنند.

حالا دوره کاری مجلس به پایان می رسد، اما تا هنوز انتخابات ولسی جرگه برگزار نشده، تا جایگزین نمایندگان فعلی گردد. بنابراین در صورت تعطیلی مجلس عملا نظام سیاسی یک رکن خود را از دست خواهد داد و بسیاری از سیاست ها، برنامه ها و تصویب قوانین به تعطیلی کشانده خواهد شد.

مهمترین مسأله موضوع نظارت پارلمان بر قوای دیگر است که در صورت تعطیلی از بین می رود.

بنابراین حکومت باید بخاطر پاسداری از قانون اساسی و احترام به ارزش های دموکراسی و جلوگیری از بی نظمی و نابسامانی های سیاسی هرچه زود تر کمیسیون اصلاحات انتخاباتی را تشکیل داده و زمان برگزاری انتخابات ولسی جرگه را مشخص سازد.

نتیجه ای انتخابات پارلمانی ترکیه، ممکن است برای شهروندان آن کشور، سیاست مداران به ویژه رهبران حزب عدالت و توسعه و دولت های منطقه ای، غیر منتظره باشد. حزب که سیزده سال تمام اکثریت پارلمانی را در اختیار داشته و نسبت به دیگر حزب های سیاسی کارآمدی بهتری نیز داشته است - به طور نمونه، رشد اقتصادی ترکیه - قادر به کسب اکثریت کرسی های مجلس نگردید. در این انتخابات، حزب عدالت و توسعه، توانسته ۴۱ درصد کرسی های مجلس را کسب کند. این در حال است که این حزب، هوای کسب اکثریت کرسی ها و در نهایت اعمال اصلاحات سیاسی را داشت. اکنون، به تنهایی قادر به تشکیل دولت نیست و ناگزیر باید با یکی از احزاب، وارد ائتلاف سیاسی گردد.

تشکیل دولت ائتلافی، بدون تردید، به مراتب متفاوت از دولت خواهد بود که حزب عدالت و توسعه می خواست به تنهایی تشکیل دهد. از این رو، تغییر و تحول در سیاست داخلی و سیاست خارجی آنکارا اعمال خواهد شد. به عبارت دیگر، تشکیل دولت ائتلافی، هم زندگی ترک ها و هم سیاست منطقه ای این کشور را متاثر خواهد کرد.

منظور این نوشتار ، تاثیر داخلی دولت ائتلافی نیست. نویسندگان و محققین ترک تبار خود به این بحث خواهند پرداخت و شاید برای دیگران از اهمیت نوشتاری چندانی نیز بهره مند نباشد. نوشتار حاضر در صدد تحلیل و تبیین سیاست خارجی ترکیه و تاثیر آن که در منطقه خواهد گذاشت، به بحث می گذارد.

پس پرسش این است که نتیجه ای انتخابات ترکیه، چه تاثیر بر تحولات منطقه ای دارد؟ جهت پاسخ به این پرسش، ناگزیر گریزی بر سیاست خارجی دولت به رهبری اردوغان و داوود اغلو بزنییم.

سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه ای سکولار یا حتی لائیک که در حقیقت نتیجه ای خلافت و امپراتوری عثمانی بود، به گونه ای افراطی به سمت اروپا و غرب گرایش یافت. به گونه ای که دولت های شرقی و مناطق استراتژیک در

شرق به ویژه منطقه ای خاورمیانه نقش محسوری اش را در سیاست خارجی این کشور از دست داد و در مقام دوم نزول کرد. کشور که روزگاری در قالب امپراتوری عثمانی دولت های شرقی را تحت نفوذ خود تلقی کرده و بر تاثیرگذاری اش به عنوان قدرت درجه یک در منطقه تاکید می کرد، رویاهای اش اروپا و غرب شده بود. اما در گذر زمان این رویکرد با انتقادهای شدیدی مواجه گردید. این بحث به قاعده سیاسی «تطابق فرهنگ و انتظارات جامعه» اشاره می کند. نظام که تفکر سیاسی و رفتارش با انتظارات جامعه هم خوانی نداشته باشد، جایگاه اجتماعی و سیاسی باز نخواهد کرد.

رویکرد سکولاریستی در ترکیه نیز با انتقادهای شدیدی مواجه شد. نیروهای دین گرا رویکرد نظام و دولت ها را نقد کرده و از این نظر زمینه های حضور آنان در قدرت فراهم گردید. حزب عدالت و توسعه از جریان های سیاسی دین مداری است که با این طرز تفکر و بینش سیاسی به پیش رفت این مدت طولانی قدرت را در این جامعه در دست داشت. اکنون نیز با این که اکثریت کرسی های مجلس را در دست نگرفته، اما از میان حزب ها بیشترین کرسی را در اختیار دارد و قدرتمندترین حزب محسوب خواهد شد.

دولت عدالت و توسعه، با توجه به رویکرد دین مدارانه، طرف دار سیاست خارجی شرق محور بوده است. به عبارت دیگر رویکرد عثمانیسم را گزینش کرده بود. بدین معنا که ترکیه باید همان جایگاه سیاسی را در منطقه باید که خلافت امپراتوری عثمانی در سطح منطقه داشته است. این سیاست را به سیاست خارجی عثمانیسم تعبیر می کنند.

تحت تاثیر این سیاست، آنکارا از پذیرش اش به عنوان عضو اتحادیه اروپا نا امید شد و بدین باور رسید که چنین امری تا ممکن است و از سوی می توان بدون پیوستن به این اتحادیه رویکردهای دیگری را دنبال کرد.

بنابراین، توجه آنکارا بیشتر به سمت شرق

و کشورهای خاورمیانه ای و آسیای مرکزی معطوف شد. از این رهگذر تلاش کرد

روابط ترکیه و ایران را بیش از پیش بحرانی و سرد کرد. در سوریه دقیقا تصادم منافع وجود داشت و دارد. سوریه ای تحت حاکمیت بشار اسد در راستای منافع ملی ایران و سوریه ای بدون بشار اسد در راستای منافع ملی ترکیه است.

از سوی دیگر، ظهور گروه جدید به نام داعش که در حقیقت نتیجه ای تحولات سیاسی در جهان عرب است، ترکیه را بیشتر با ایران درگیر کرد. حتی امروز، سازمان های اطلاعاتی ترکیه، دولت های عربی و اسرائیل دست به دست هم داده اند تا ایران را با شکست مواجه کنند.

بنابراین، وارد شدن پرتنگ ترکیه در تحولات سیاسی منطقه ای ناشی از طرز تفکر عثمانیسم دولت عدالت و توسعه است. اردوغان و دولت اش خواب امپراتوری عثمانی را می دیدند و به این باور بودند که همان نقش سیاسی را که امپراتوری عثمانی در شرق و منطقه ایفا می کردند، ترکیه ای کنونی نیز باید ایفا



دولت ائتلافی که مولود و محصول ائتلاف و همکاری حزب عدالت و توسعه با یکی از احزاب دیگر خواهد بود، بدون تردید بدون تردید یک سری مباحث را به عنوان سیاست خارجی ترکیه را متاثر خواهد نماید. دو حزب دیگری که کرسی های قابل ملاحظه ای را کسب کرده اند، با هر یکی که حزب عدالت و توسعه ائتلاف کند، بدون تردید یک سری مباحث را به عنوان شرط مطرح خواهد کرد. طرز تفکر حزب های جدید بیشتر ناظر بر مسایل داخلی ترکیه بوده و آن گونه که دولت قبلی در مورد سیاست خارجی می اندیشید نمی اندیشند.

از این روی، شاهد کاهش نقش ترکیه در تحولات منطقه ای خواهیم بود. تا به حال مثلث سیاسی - ترکیه، عرب ها و اسرائیل صدر برابری ایران در منطقه شکل گرفته است. اما گمان می رود که از این پس ترکیه نتواند مانند قبل هم پیمانان اش را همراهی و باری کرده و عرب ها و اسرائیل تنها خواهند ماند.

سهم گیری طالبان در قدرت

رضا رها

عادی مربوط بدان قوم ها، فشارهای نفس گیر اعمال گردد.

فرهنگی، از همان گروه بودند. به نظر می رسد که طالبان برای همان حکومت با همان ساختار و تشکیلات می رزمند و تلاش می کنند. در پی رقم زدن فضای سیاسی هستند که فرصت نفس کشیدن برای سیاست مداران دیگر گروه های قومی و حتی سیاست مداران پشتون تبار اما خارج از حلقه گروهی خودشان

در آغاز نگارش مطرح کرد این خواهد بود که: علت بنیادی شکست طرح ها، پیشنهادها و کنار نیامدن گروه طالبان، دید انحصاری آن ها به قدرت سیاسی کشور است. آن گروه، گذشته از مباحث ایدئولوژیک و نوعیت نظام سیاسی، تلاش های سیاسی گریز جهت آغاز گفت و گوی سیاسی با طالبان مشروعیت بخشید. گریز راه های متفاوت و متعدد را به آزمون گرفت، اما هیچ کدام نتیجه ملموس نداد و نتوانست او را به هدف وصل کند.

برادر جان و طالب جان خطاب کرد، دشمن نخواند، عفو عمومی اعلام کرده و تاکید کرد که در صورت که رهبران طالبان سلاح های شان را کنار گذاشته و بی زندقی عادی برگردند، هیچ گونه پی گیری عدلی و قضایی مطرح نیست و حتی بحث سهم دهی در کابینه را نیز مطرح می نمود.



سیاسی است. در فضای جدید، آهنگ مشارکت ملی و وحدت ملی به صدا درآمده است و برابری ملی به تدریج در حال نهادینه شدن است. در این صورت، حکومت و تفکر طالبانی در هیچ صورت قابل پذیرش نخواهد بود. مگر این که با زور نیزه و تفنگ، مانند دهه هفتاد بر کشور مستولی گردد.

نیاشد. این امر را انحصار و قبضه قدرت می نامند. طالبان و مشارکت ملی طالبان در دوران اسارت در راستای انفصال ملی تلاش کرده و گام های مهم را برداشتند. همان طور که مطرح شد، در ساختار تشکیلاتی امارت، حتی یک مهره درشت از دیگر گروه های قومی غیر پشتون به چشم نمی خورد، و در عمل، فشارهای سنگین و گذشته از فشار، تراژدی های را خون بار را رقم زدند.

جریان های سیاسی در کنار دیگر جریان های سیاسی، در قدرت سهمیم شوند. ۱) طالبان و انحصار قدرت گروهی طالبان در دهه هفتاد در کنار جنگ زدن و تمسک چسستن به عنصر دین و مذهب، به عنصر قومیت نیز به صورت جدی چنگ زدند. واقعیت را باید پذیرفت که به لحاظ اجتماعی، گروه قومی پشتون، نفس راحت تر از دیگر گروه های قومی در دوران امارت سیاه طالبانی کشیدند.

حالا پس از گریز، محمد اشرف غنی که در راس حکومت وحدت ملی قرار دارد، ظاهرا همان راه های را که کسری پیمود و نتیجه نداد، می رود و می پیماید.

گپ و گفت های مطرح است که انکار یکی از علل تاخیر در اعلام و معرفی کابینه، گفت و گوی سیاسی با گروه طالبان و احتمال سهم دهی به آن هاست. گرچند ریاست جمهوری این گپ و گفت ها را رد کرده و بی بنیاد می خواند.

گزارش های که در پیش روی پرده سیاست و در معرض دید رسانه ها منتشر شد، گروه طالبان، طرح و پیشنهاد آقایی غنی را رد کرده اند.

با عنایت به این بحث که مطرح شد، پرسش اصلی که می شود مطرح کرد این است که: علل اصلی کنار نیامدن گروه طالبان چیست؟ آیا گروه طالبان، به دنبال شراکت در قدرت سیاسی هستند و یا انحصار قدرت؟

به نظر می رسد که پرسش اصلی اندکی کلان تر و فراخ تر مطرح شد. یعنی می شود، مباحث کلان را از لابلای آن در آورد. بحث ایدئولوژی سیاسی، ابزاری بودن آن گروه و بلای های استخباراتی منطقه و حتی رقابت های کلان جهانی - بین آمریکا و برخی قدرتهای بزرگ و کشورهای قدرتمند که در برابر این کشور چالش می آفرینند - که جریان دارد. اما رویکرد این نگارش، فقط قدرت سیاسی است. پس گروه طالبان، به عنوان گروه فرض می شود که از وضعیت موجود سیاسی ناراضی بوده و جهت تغییر وضعیت سلاح بردوش گرفته و می رزمند. فرضیه کوتاه را که می شود

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هئیت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دردی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

کلیات همکاری دردی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

©دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
©مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

©آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

©صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
©مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
©سردبیر: حفیظ الله زکی

©کارکاتوریست: خالق علی زاده

کارتون روز

بیون شرح

افغانستان The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook AFGHANISTAN

The Leading Independent Source